

الْحَمْدُ لِلَّهِ
الَّذِي هَدَانَا
لِلْإِسْلَامِ
الْحَنِيفِ
الْقَدِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ
الَّذِي هَدَانَا
لِلْإِسْلَامِ
الْحَنِيفِ
الْقَدِيمِ



دانشگاه اصفهان
دانشکده علوم اداری و اقتصاد
گروه اقتصاد

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته علوم اقتصادی

تحلیل و اندازه گیری اثر نابرابری های جنسیتی در آموزش و اشتغال بر

توسعه انسانی در کشورهای منتخب جهان (۲۰۱۰-۱۹۹۰)

استاد راهنما:

دکتر مجید صامتی

استاد مشاور:

دکتر مصطفی عمادزاده

پژوهشگر:

معصومه پاشا زانوسی

آذر ماه ۱۳۹۰



دانشگاه اصفهان
دانشکده علوم اداری و اقتصاد
گروه اقتصاد

پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد رشته‌ی علوم اقتصادی

خانم معصومه پاشا زانوسی تحت عنوان

تحلیل و اندازه‌گیری اثر نابرابری‌های جنسیتی در آموزش و اشتغال بر توسعه

انسانی در کشورهای منتخب جهان (۲۰۱۰-۱۹۹۰)

در تاریخ ۹۰/۹/۲۹ توسط هیأت داوران زیر بررسی و با درجه عالی به تصویب نهایی رسید.

امضا
امضا

امضا
امضا



- ۱- استاد راهنمای پایان نامه دکتر مجید صامتی با مرتبه‌ی علمی دانشیار
- ۲- استاد مشاور پایان نامه دکتر مصطفی عمادزاده با مرتبه‌ی علمی استاد
- ۴- استاد داور داخل گروه دکتر کریم آذربایجانی با مرتبه‌ی علمی دانشیار
- ۵- استاد داور خارج از گروه دکتر صادق بختیاری با مرتبه‌ی علمی استاد

تقدیر و تشکر

سپاس گزار خداوندم. سپاس گزار پید اوپنهان بخلق هایم.

جادار د از زحمات کسانی که در انجام این رساله به ایجناب یاری رسانند شکر و قدردانی به عمل آورم. از ماد و پدرم که در تمام طول زندگی نشاندن بخدمت بر لبانشان بزرگترین هدف و انگیزه من بوده است و تمامی موفقیت های خود را مدیون حضور و همراهی بی دریغشان می دانم و از دو برادر عزیزم که همواره حامی تصمیماتم بوده اند. از خداوند بزرگ می خواهم بهترین موافقت ها را نصیب ایشان گرداند.

استاد بزرگوارم جناب آقای دکتر صامتی که در تمام دوره آغاز تا اتمام این رساله پدران به سرگروه های من صبوری گزیده و راهنمایی این پایان نامه را به عهده گرفتند. سلامتی و موفقیت هر چه بیشتر ایشان را از درگاه ایزد منان خواستارم. استاد مشاور ارجمندم جناب آقای دکتر عازاده که همراهی ایشان برای ایجناب افتخاری بود. اساتید داور جناب آقای دکتر آذربایجانی و دکتر بختیاری که با حوصله و دقت این کار را مطالعه نموده و با نظرات ارزشمندشان بر غنای کار افزودند.

از دوست عزیزم سرکار خانم پگاه پاشا که همواره مرا از محبت های خواهرانه خود بهره مند ساخته اند. خانم معصومه قاسمی، فضیلت محسنی، عصمت آرمند و تمامی دوستانی که در این راه مشوق و حامی من بوده اند. در نهایت از همه کسانی که برای بنده حقیر زحمت کشیده اند، معلمان، اساتید، هم دوره ای های عزیز و به خصوص خانم رجائی، تشکر نموده و شادکامی و موفقیت روز افزون ایشان را از خداوند خواستارم.

تقدیم:

اگر این اثر ارزشی هست تقدیم به

پدر و مادرم که وجودشان برایم همه عشق است.

توانشان رفت تا به توانایی رسم و مویشانشان سپیدی گرفت تا سپید روی بانم.

و دو برادر عزیزم

که موفقیت و سلامتی آن‌ها را آرزو مندم.

چکیده

یکی از مهم‌ترین معیارها برای سنجش توسعه یافتگی یک کشور، میزان اهمیت و اعتباری است که زنان در آن کشور دارا هستند. در جوامع پیشرفته‌تر و توسعه یافته‌تر، حضور زنان موثرتر و پررنگ‌تر است. از این رو، وجود نابرابری‌های جنسیتی در جهان، امری است که دستیابی کشورها به توسعه را با مشکل روبرو می‌کند و کشورهای در حال توسعه بیش از کشورهای پیشرفته از این مسئله رنج می‌برند. توسعه انسانی به عنوان شاخصی برای میزان توسعه یافتگی کشورهای جهان، هر ساله توسط UNDP منتشر می‌شود. برخلاف رشد اقتصادی که یک مفهوم صرفاً کمی است، توسعه بیشتر یک مفهوم کیفی بوده و مفهومی جامع‌تر از رشد را در بر می‌گیرد. از این رو، معیارهای اندازه‌گیری توسعه علاوه بر ابعاد کمی، دربرگیرنده عوامل کیفی نیز هستند. یکی از مهم‌ترین شاخص‌های توسعه، که توسط برنامه توسعه سازمان ملل متحد، مطرح شد، شاخص توسعه انسانی است که از طریق تلفیق نماگرهای امید به زندگی، میزان تحصیلات و سطح درآمد، به صورت یک شاخص مرکب، برای اندازه‌گیری وضعیت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی کشورها از سال ۱۹۹۰ به بعد مورد استفاده قرار گرفت. بنابراین در این پژوهش، بررسی اثر نابرابری‌های جنسیتی در اشتغال و آموزش، روی شاخص توسعه انسانی، برای سه گروه کشورهای توسعه یافته، در حال گذار و در حال توسعه، مورد مطالعه قرار گرفته است. که از طریق الگوی معادلات همزمان و با استفاده از داده‌های تابلویی، میزان این اثرگذاری اندازه‌گیری شده است. نتایج حاصل شده، بیانگر اثر منفی نابرابری‌ها بر شاخص توسعه انسانی، در هر سه گروه کشورها است. نکته قابل توجه و دست‌آورد مهم این پژوهش این است که کاهش نابرابری‌های جنسیتی در زمینه اشتغال، نسبت به کاهش نابرابری جنسیتی در آموزش، اثر بیشتری بر توسعه اقتصادی کشورها دارد. از این رو، سیاست‌های توسعه بیشتر باید در جهت کاهش نابرابری‌ها و رفع موانع در اشتغال زنان صورت گیرد.

کلید واژه‌ها: نابرابری جنسیتی، نابرابری جنسیتی در آموزش، نابرابری جنسیتی در اشتغال، توسعه انسانی

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

فصل اول: کلیات

۱-۱- مقدمه.....	۱
۲-۱- شرح و بیان مساله پژوهشی.....	۲
۳-۱- اهمیت و ارزش پژوهش.....	۶
۴-۱- اهداف پژوهش.....	۶
۵-۱- فرضیه ها و سوال های پژوهش.....	۶
۶-۱- روش پژوهش.....	۷
۷-۱- جامعه آماری.....	۸
۸-۱- ابزار گردآوری داده ها.....	۸
۹-۱- واژه های کلیدی.....	۸
۱۰-۱- ابزار تجزیه و تحلیل.....	۹

فصل دوم: مروری بر ادبیات موضوع

۲-۱- مقدمه.....	۱۰
۲-۲- نابرابری جنسیتی.....	۱۱
۳-۲- آموزش و نابرابری جنسیتی در آموزش.....	۱۳
۳-۲-۱- آموزش.....	۱۳
۳-۲-۲- نابرابری جنسیتی در آموزش.....	۱۴
۴-۲- اشتغال و نابرابری جنسیتی در اشتغال.....	۱۸
۴-۲-۱- اشتغال.....	۱۸
۴-۲-۲- نابرابری جنسیتی در اشتغال.....	۱۸
۵-۲- اشتغال زنان قبل از انقلاب صنعتی و بعد از آن.....	۲۰
۶-۲- شاخص توسعه انسانی.....	۲۳
۷-۲- مروری بر مطالعات پیشین.....	۲۷
۷-۲-۱- مطالعات داخلی.....	۲۷
۷-۲-۲- مطالعات خارجی.....	۳۰

عنوان

صفحه

۳۳ ۸-۲- جمع بندی فصل

فصل سوم: روش پژوهش

۳۴ ۱-۳- مقدمه

۳۵ ۲-۳- جامعه آماری

۳۶ ۳-۳- منابع آماری

۳۶ ۴-۳- الگوی پژوهش

۳۸ ۵-۳- داده های تابلویی

۳۸ ۱-۵-۳- روش های تخمین داده های تابلویی

۴۰ ۲-۵-۳- اثرات ثابت

۴۰ ۳-۵-۳- اثرات تصادفی

۴۱ ۴-۵-۳- آماره هاسمن

۴۲ ۶-۳- سیستم معادلات همزمان

۴۴ ۱-۶-۳- مساله تشخیص

۴۵ ۲-۶-۳- معادلات همزمان، داده های تابلویی و اثرات ثابت

۴۷ ۳-۶-۳- معادلات همزمان، داده های تابلویی و اثرات تصادفی

۴۹ ۷-۳- جمع بندی فصل

فصل چهارم: تجزیه و تحلیل داده ها

۵۱ ۱-۴- مقدمه

۵۲ ۲-۴- آزمون ریشه واحد پانلی کاربردی برای ارزیابی مانایی متغیرها

۵۴ ۳-۴- شرط درجه ای و رتبه ای در رابطه با قابلیت تشخیص

۵۴ ۴-۴- برآورد الگوها در قالب داده های تابلویی برای کشورهای توسعه یافته

۶۰ ۵-۴- برآورد الگوها در قالب داده های تابلویی برای کشورهای در حال گذار

۶۵ ۶-۴- برآورد الگوها در قالب داده های تابلویی برای کشورهای در حال توسعه

۶۹ ۷-۴- اندازه گیری اثر نابرابری های جنسیتی بر شاخص توسعه انسانی

۷۰ ۸-۴- تصویری از وضعیت کنونی کشورها

عنوان	صفحه
۹-۴- جمع بندی فصل.....	۷۰
فصل پنجم: نتیجه گیری و پیشنهادها	
۱-۵- مقدمه.....	۷۱
۲-۵- نتیجه گیری و پاسخ به فرضیه ها.....	۷۲
۳-۵- پیشنهادها.....	۷۴
۱-۳-۵- پیشنهادهای کاربردی.....	۷۴
۲-۳-۵- پیشنهادهای آموزشی.....	۷۶
۴-۵- جمع بندی فصل.....	۷۶
پیوست	
پیوست ۱: خروجی نرم افزار با روش G2SLS	۷۸
پیوست ۲: خروجی نرم افزار با روش بالتاجی.....	۸۷
پیوست ۳: خروجی نرم افزار با روش نوزا.....	۹۶
منابع.....	۱۰۴

فهرست جدول‌ها

صفحه	عنوان
۵۳.....	جدول (۱-۴) نتایج آزمون ریشه واحد.....
۵۵.....	جدول (۲-۴) نتایج حاصل از تخمین معادله اول برای کشورهای توسعه یافته با روش G2SLS.....
۵۷.....	جدول (۳-۴) نتایج حاصل از تخمین معادله دوم برای کشورهای توسعه یافته با روش G2SLS.....
۵۹.....	جدول (۴-۴) نتایج حاصل از تخمین معادله سوم برای کشورهای توسعه یافته با روش G2SLS.....
۵۱.....	جدول (۵-۴) نتایج حاصل از تخمین معادله اول برای کشورهای در حال گذار با روش G2SLS.....
۶۲.....	جدول (۶-۴) نتایج حاصل از تخمین معادله دوم برای کشورهای در حال گذار با روش G2SLS.....
۶۴.....	جدول (۷-۴) نتایج حاصل از تخمین معادله سوم برای کشورهای در حال گذار با روش G2SLS.....
۶۵.....	جدول (۸-۴) نتایج حاصل از تخمین معادله اول برای کشورهای در حال توسعه با روش G2SLS.....
۶۷.....	جدول (۹-۴) نتایج حاصل از تخمین معادله دوم برای کشورهای در حال توسعه با روش G2SLS.....
۶۸.....	جدول (۱۰-۴) نتایج حاصل از تخمین معادله سوم برای کشورهای در حال توسعه با روش G2SLS.....

فصل اول

کلیات

۱-۱. مقدمه

امروزه یکی از مباحث مهم نابرابری، مساله نابرابری جنسیتی است که در سطوح مختلف جهانی مورد بحث و بررسی است. زیرا مشخص شده است که زنان و دختران به دلیل جنسیت خود، از پیشرفت‌های اجتماعی دور نگه داشته می‌شوند. از مهم‌ترین ابعاد نابرابری جنسیتی، بعد آموزش و اشتغال است. از این رو به دلیل اهمیت وجود نابرابری‌های جنسیتی و تاثیر آن بر شاخص توسعه انسانی و روند توسعه کشورها، در این پژوهش به اندازه‌گیری این اثر پرداخته می‌شود.

در این فصل ابتدا به بیان مساله پژوهش، اهمیت و ضرورت، اهداف و فرضیه‌ها و روش پژوهش، پرداخته می‌شود. پس از آنجامعه آماری، ابزار گردآوری داده‌ها، واژه‌های کلیدی و در پایان نیز ابزار تجزیه و تحلیل پژوهش بیان می‌شود.

۲-۱. شرح و بیان مساله پژوهشی

نادیده گرفتن زنان در طول تاریخ در تمامی جوامع به اشکال و صور مختلف وجود داشته است. تقریباً در تمامی جوامع شناخته شده نابرابری‌های جنسیتی وجود داشته است و به طور کلی تفاوت میان دو جنس همواره بر اساس برتری مردان نسبت به زنان شکل گرفته است. به عبارت دیگر تاریخ جامعه بشری تاکنون تاریخ مردان بوده است که در آن عملاً نقش و اهمیت زنان نادیده گرفته شده است. وجود نابرابری‌های جنسیتی در جهان، امری است که دستیابی کشورها به توسعه را با مشکل روبرو می‌کند و کشورهای در حال توسعه بیش از کشورهای پیشرفته از این مسئله رنج می‌برند.

زنان با عرضه نیروی کارشان می‌توانند نقش موثری در توسعه اقتصادی ایفا کنند. چنانکه در کشورهای پیشرفته با رشد اقتصادی بالا، زنان سهم بزرگی از تولید را بر عهده دارند. بنابراین، نگاه جنسیتی می‌تواند فرصت‌های شغلی و اجتماعی را از زنان جامعه بگیرد و باعث ایجاد تبعیض جنسیتی در اشتغال شود که البته کمبود آگاهی زنان از حقوق فردی، اجتماعی و حرفه‌ای، به این نابرابری کمک می‌کند.

تاریخ جوامع کنونی، نشانگر آن است که نظام پدرسالاری، نظام مسلط در جوامع بشری بوده است و تاکنون هیچ مورد شناخته شده‌ای، از جامعه‌ای که در آن زنان قدرتمندتر از مردان باشند، یافت نشده است (گیدنز، ۱۳۸۲). تقریباً در تمامی جوامع شناخته شده، نابرابری‌های جنسیتی وجود داشته است و به طور کلی تفاوت میان دو جنس همواره بر اساس برتری مردان نسبت به زنان شکل گرفته است. به عبارت دیگر تاریخ جامعه بشری تاکنون تاریخ مردان بوده است که در آن عملاً نقش و اهمیت زنان نادیده گرفته شده است. به عقیده‌ی آندره میشل تبعیض جنسی در کنار تبعیض طبقاتی و نژادی، مثلث سوم تبعیض‌ها و نابرابری‌ها را می‌سازد. تبعیض جنسیتی یعنی اعمال، رفتار، پیش‌داوری‌ها و جهان‌بینی‌هایی که زنان را فرودست و کم‌ارزش‌تر از مردان دانسته و جنس مذکر را مسلط بر جنس مونث می‌داند. اگرچه این تبعیض و نابرابری در طول تاریخ بشر امری طبیعی و نشأت گرفته از نظام طبیعی و تفاوت‌های زیستی زنان دانسته می‌شد اما در پی فعالیت‌های گسترده‌ی طرفداران حقوق زنان و سایر عوامل، ماهیت اجتماعی و تاریخی این تبعیض روشن گردید و این نکته مشخص گشت که تبعیض‌های تحقیرکننده‌ی جنس زن، نه محصول نظام طبیعی یا زیست‌شناختی بلکه نتیجه‌ی نظام اجتماعی تبعیض آمیز و رفتار اجتماعی نادرست و ناعادلانه با زنان است (میشل، ۱۳۷۶).

از جمله ابعاد نابرابری جنسیتی، نابرابری جنسیتی در اشتغال و آموزش است. نرخ مشارکت زنان به عنوان نیروی کار، طی چند دهه گذشته به طور چشمگیری افزایش یافته است (او کامپو، مونتانر^۱، ۲۰۰۴). در واقع یکی از شاخص های مهم برای سنجش توسعه هر کشور، وضعیت زنان و نوع مشارکت آنها است. باید توجه داشت که توسعه تنها در ارتباط با تولید ناخالص ملی و سطح درآمد سرانه سنجیده نمی شود بلکه شامل بلوغ اجتماعی و سیاسی نیز می گردد و از آنجا که بلوغ اجتماعی و سیاسی را می توان از نحوه برخورد و رفتار جامعه با زنان تعیین کرد، بنابراین حضور فعال و مشارکت موثر زنان در جامعه، از دیرباز حایز اهمیت بوده است. حضور جدی زنان در فعالیت های اقتصادی و کسب و کار، همراه با روند تکامل اشتغال آنها تغییرات بنیادینی در نقش سنتی آنها بوجود آورده است و این تغییر در نقش سنتی زنان در کشورهای در حال توسعه یا کمتر توسعه یافته از اهمیت خاصی برخوردار است. چرا که در اغلب این کشورها، استفاده از نیروی زن متخصص، پدیده ای نسبتاً جدید است (اسکندری، ۱۳۸۸).

گزارش های توسعه انسانی هر سال تمامی کشورها را در زمینه هایی مانند درآمد سالانه، میزان باسوادی، میزان امید به زندگی و احترام به حقوق زنان، رتبه بندی می کند که هدف، قرار دادن مردم در مسیر توسعه است. برای تبیین نابرابری میان زنان و مردان شاخص های توسعه جنسیتی در سال ۲۰۰۰ مطرح شد که مقدار این شاخص برای همه ی کشورها بدون توجه به درجه توسعه یافتگی آن ها، پایین تر از شاخص توسعه انسانی بود و گویای این مطلب است که امکان دسترسی زنان به نیازهای اساسی، کمتر از مردان است. مطالعه معیار اختیار جنسیتی برای همه ی کشورها، بدون استثنا نشان می دهد که در همه ی کشورهای جهان، دسترسی زنان به منابع اقتصادی، مشارکت در تصمیم گیری و مشارکت اقتصادی- اجتماعی کمتر از مردان است.

یونیسف سال ۱۹۹۰ را سال نوزاد دختر اعلام کرد تا توجه بیشتری را به نابرابری های جنسیتی در جهان جلب کند. آمارها و ارقام نشان می دهد با وجود اینکه بیشترین ساعات کاری جهان (۶۷٪) متعلق به زنان است، آن ها تنها ۱۰٪ از درآمد جهان را کسب می کنند. به عبارتی زنان کمترین کنترل را بر سرمایه و تکنولوژی دارند. از این رو برخی، زنان را متعلق به جهان چهارم دانسته اند. از نظر دسترسی به امکانات آموزشی، بهداشتی و درمانی نیز بین زنان و مردان نابرابری های زیادی وجود دارد. حدود هفتاد درصد بی سوادان جهان را زنان تشکیل می دهند و بخش عمده ای از این زنان به دلیل مسائل بهداشتی و مسائل ناشی از زایمان و سقط جنین، در سال جان خود را از دست می دهند (نصیری، ۱۳۷۹).

¹ O'Campo, Muntaner

از این رو نابرابری و تبعیض جنسیتی نه تنها مساله‌ای جهانی است بلکه آن را می‌توان در همه‌ی حوزه‌های زندگی اجتماعی جستجو کرد. اگرچه همواره نقش زنان در این راستا به دلیل وجود تبعیض و نابرابری‌های جنسیتی، نادیده گرفته شده است، اما دستیابی به توسعه‌ای همه‌جانبه، بدون توجه و پرداختن به نقش و جایگاه زنان و مسائل مختلف آنان غیرممکن به نظر می‌رسد. با این حال آنچه که امروز اهمیت اساسی دارد، افزایش آگاهی زنان به واسطه افزایش روزافزون زنان تحصیل کرده و شاغل است. افزایش آگاهی‌های زنان باعث گردیده که آن‌ها شناخت ژرف تری از مسائلی چون نابرابری‌های جنسیتی بدست آورند (موحد، عنایت و گرگی، ۱۳۸۴).

زنان نسبت کمتری از کل نیروی کار را به ویژه در بخش‌های غیرکشاورزی و در مناطق شهری تشکیل می‌دهند و عمدتاً در مشاغل کم درآمد متمرکزند. نرخ پایین مشارکت، نسبت اندک زنان در مشاغل با ایمنی بیشتر و درآمد بهتر و نرخ دستمزد پایین‌تر آن‌ها در مشاغل مشابه با مردان، از این نوع تبعیض هاست. همچنین میزان بیکاری زنان به ویژه در کشورهایی که با بحران اشتغال روبرو هستند، جدی‌تر، عمیق‌تر و وسیع‌تر است. البته میزان بیکاری زنان در همه‌ی کشورها بیشتر از مردان نیست. در ایالات متحده و بریتانیا بیکاری زنان کمتر از مردان است (خانی، ۱۳۸۹).

بعد دیگر نابرابری جنسیتی، نابرابری جنسیتی در آموزش است. سطح تحصیلات زنان و نابرابری آموزشی میان دو جنس، دو عامل تعیین کننده مهم در رفاه خانواده و رشد اقتصادی می‌باشند. تحصیل بیشتر، درآمد زنان و مردان - هر دو - را افزایش می‌دهد، اما آموزش دختران، به دلیل ایجاد درآمد افزون‌تر و نفوذ بیشتر آنان در خانواده و نیز آثار مستقیم دانایی و آگاهی ایشان، فوائد اجتماعی گسترده تری در پی دارد. در واقع کوتاهی در سرمایه‌گذاری برای آموزش زنان، می‌تواند به کاهش فوائد بالقوه آموزش مردان منجر گردد. همچنین این کاستی باعث تحمیل هزینه‌های سنگین به دلیل از دست دادن توان افزایش بهره‌وری، درآمد و بهبود کیفیت زندگی می‌شود (کینگ، ۱۳۷۶). با این وجود، هنوز به دلایل عینی و ذهنی در اغلب کشورهای توسعه نیافته، دختران کمتر از پسران آموزش می‌بینند، دختران به مدارس فرستاده نمی‌شوند یا با ترک تحصیل زود هنگام روبرو هستند و همین امر آثار نامطلوبی در رفاه شخصی و ملی این کشورها گذاشته است.

هرگونه سرمایه‌گذاری در آموزش زنان، بازده بالاتری نسبت به سرمایه‌گذاری در آموزش مردان خواهد داشت. چنانچه شکاف میان ثبت نام دختران و پسران از بین رود، بی‌شک جامعه از بازده بالاتر این سرمایه‌گذاری منتفع خواهد شد. بنابراین از بین بردن این شکاف و تبعیض جنسی مهم‌تر از توزیع عادلانه امکانات جامعه بین

دختران و پسران است زیرا توزیع عادلانه منابع در شهرها و مناطق محروم، تبعیض‌های جنسی و شکاف موجود را کاهش نخواهد داد (عمادزاده، ۱۳۸۲).

از جمله شاخص‌های توسعه یافتگی، پایین بودن نرخ باروری و مرگ و می‌رکودکان است. از جمله عواملی که در کاهش مرگ و میر کودکان تاثیر زیادی دارد، افزایش درآمد و رفاه اقتصادی است. با افزایش درآمد کشورها، نرخ باروری کاهش می‌یابد. از طرفی مادرانی که تحصیل کرده‌اند نسبت به واکسیناسیون کودکان حساسیت بیشتری دارند. بنابراین از بین بردن این نابرابری‌های جنسیتی در دسترسی به بهداشت و درمان از جمله عواملی است که می‌تواند در توسعه کشور اثرگذار باشد.

بر اساس گزارش‌های توسعه انسانی، شاخص توسعه انسانی (HDI) بر حسب جنسیت تعدیل شده است و شاخص GDI بدست آمده است. از آنجا که تفاوت زنان و مردان، یکی از مهم‌ترین تفاوت‌ها در ارزش شاخص کل توسعه انسانی یک کشور است، تعدیل رتبه بندی این شاخص، بر حسب نابرابری‌های جنسی، راه حلی برای نشان دادن این تفاوت است. در واقع این شاخص تعدیل شده، متضمن تفاوت چشمگیری در رتبه بندی توسعه انسانی است.

در پژوهش‌هایی که تاکنون در این زمینه انجام شده است، تاثیر نابرابری‌ها بر توسعه و نیز انواع نابرابری‌ها مورد مطالعه قرار گرفته است. حال در این پایان نامه میزان اثرگذاری برآورد شده و مقایسه‌ای بین میزان اثرگذاری نابرابری‌های آموزشی و اشتغال صورت گرفته است.

در واقع مساله اصلی این پژوهش، وجود نابرابری‌های جنسیتی است که بر روی اشتغال، فقر، رفاه، رشد اقتصادی و توسعه اقتصادی تاثیرگذار است و به دنبال پاسخ به این سوال هستیم که نابرابری‌های جنسیتی در آموزش و اشتغال، چه اندازه بر توسعه اقتصادی کشورها تاثیر می‌گذارند؟ و اینکه میزان اثرگذاری نابرابری جنسیتی در آموزش، بر توسعه اقتصادی بیشتر است یا میزان اثرگذاری نابرابری جنسیتی در اشتغال، برآورد می‌شود.

چون نابرابری‌های جنسیتی در ابعاد مختلفی وجود دارند، در اینجا این سوال مطرح می‌شود که به چه علت وجود این نابرابری‌ها در اشتغال و آموزش مورد مطالعه قرار گرفته است؟ به این سوال اینگونه پاسخ می‌دهیم که تعدیل در نابرابری‌های آموزشی، موجب می‌شود امکانات آموزشی برابر برای هر دو گروه فراهم آید که این بهره‌مندی در آموزش و ارتقا بهره‌وری کار زنان را، سبب می‌شود و به این ترتیب زمینه اشتغال برای زنان فراهم می‌شود. حال سیاست‌های اقتصادی به سمت تعدیل نابرابری‌ها در اشتغال ایجاد می‌شوند که در نتیجه‌ی آن درآمد

و قدرت خرید زنان افزایش می‌یابد و این خود موجب تعدیل در نابرابری‌های آموزشی می‌شود. به دلیل اهمیت موضوع، در این پژوهش اثر نابرابری‌های جنسیتی در آموزش و اشتغال را روی شاخص توسعه انسانی، از طریق سه معادله که به صورت همزمان تدوین شده، برای سه گروه کشورهای توسعه یافته، در حال گذار و در حال توسعه، که طبق تقسیم بندی سازمان ملل، بر اساس شاخص توسعه انسانی، تقسیم شده‌اند، بصورت داده‌های تابلویی اندازه گیری می‌نماییم.

۱-۳. اهمیت و ارزش پژوهش

در جوامع امروزی نقش و حضور زنان در توسعه امری نامشهود است. هنوز در بیشتر کشورها، میزان آموزش و سطح اشتغال زنان از مردان کمتر است. زنان در بازار کار با انواع موانع و نابرابری‌ها روبه‌روند، در جامعه، طعم تلخ ناداری را بیشتر می‌چشند و در خانواده و جامعه، قربانیان اصلی خشونت فیزیکی، روانی و اقتصادی به شمار می‌آیند (احمدی، گروسی، ۱۳۸۳). علی‌رغم تلاش‌های بسیاری که در سطح ملی و بین‌المللی در جهت رفع نابرابری و کاهش شکاف جنسیتی انجام شده است، نابرابری در ابعاد مختلف آن هنوز در سطح جهان و حتی در کشورهای توسعه یافته وجود دارد و در کشورهای در حال توسعه شدیدتر است.

وجود نابرابری‌های جنسیتی در عرصه‌های مختلف از جمله آموزش، از مهم‌ترین چالش‌های پیش روی کشورهای در حال توسعه محسوب می‌شود. نابرابری‌های جنسیتی نه تنها دارای آثار سوء بر زنان و دختران است بلکه منجر به آسیب رساندن به کل افراد جامعه می‌شود. به عبارت دیگر نابرابری‌های جنسیتی دارای اثر منفی، بر توسعه انسانی و ارتقای کیفیت نیروی انسانی است. از این رو توجه به موضوع نابرابری‌های جنسیتی و جنبه‌های مختلف آن، از اهمیت به‌سزایی برای اقتصاد دانان برخوردار است.

در پژوهش حاضر به اندازه‌گیری اثر نابرابری‌های جنسیتی در آموزش و اشتغال بر شاخص توسعه انسانی، به عنوان مهم‌ترین شاخص توسعه، پرداخته می‌شود.

۱-۴. اهداف پژوهش

- ۱ - اندازه‌گیری اثر نابرابری جنسیتی در آموزش، بر توسعه اقتصادی
- ۲ - اندازه‌گیری اثر نابرابری جنسیتی در اشتغال، بر توسعه اقتصادی

۵-۱. فرضیه ها (در صورت لزوم) یا سوالهای پژوهش

- ۱ - میزان اثر گذاری نابرابری جنسیتی در آموزش، بر توسعه اقتصادی کشورها چقدر است؟
- ۲ - میزان اثر گذاری نابرابری جنسیتی در اشتغال، بر توسعه اقتصادی کشورها چقدر است؟
- ۳ - میزان اثر گذاری نابرابری جنسیتی در آموزش، بر توسعه اقتصادی بیشتر است یا میزان اثر گذاری نابرابری جنسیتی در اشتغال؟

۶-۱. روش تحقیق

روش پژوهش توصیفی، علی و تحلیلی می باشد و ابزار جمع آوری داده ها بصورت کتابخانه ای، اسنادی و پایگاه های اطلاعاتی در اینترنت است و با استفاده از الگوهای اقتصادسنجی (معادلات سیستم همزمان)، روش داده های تابلویی به آزمون فرضیه ها پرداخته می شود.

این الگو برای بررسی ارتباط متقابل بین رفتار چند متغیر سری زمانی، برآورد می شود. خروجی این الگو، اندازه ی اثر نابرابری های جنسیتی در آموزش و اشتغال بر شاخص توسعه انسانی، که بیانگر شاخصی برای توسعه است، می باشد.

تا قبل از دهه ۱۹۷۰ توسعه اقتصادی بر حسب درآمد سرانه ارزیابی می شد اما با چنین تعریفی از توسعه، توزیع عادلانه درآمد و بیکاری مورد غفلت واقع شد و رشد اقتصادی به عنوان محور اساسی توسعه در نظر گرفته شد. در سال ۱۹۹۰ مقیاس جدیدی از توسعه به نام شاخص توسعه انسانی توسط پروفیسور محبوب الحق معرفی شد که مبتنی بر این ایده اساسی بود که پیشرفت جوامع انسانی را نمی توان تنها با درآمد سرانه اندازه گیری کرد بلکه لازمه ی دستیابی به زندگی بهتر، علاوه بر داشتن درآمد بالاتر، پرورش و بسط استعدادها و ظرفیت های انسانی است. این شاخص، متوسط دستیابی یک کشور را در سه بعد اساسی توسعه انسانی، اندازه گیری می کند؛ که این ابعاد عبارتند از زندگی طولانی توأم با سلامتی، دانش، استاندارد شایستگی زندگی. این ابعاد به ترتیب با معیار امید به زندگی در بدو تولد بر حسب سال، نرخ سواد بزرگسالان بر حسب درصد و تولید ناخالص داخلی (GDP) سرانه بر حسب PPP دلار.

در این پژوهش اثر نابرابری های جنسیتی در آموزش و اشتغال بر روی توسعه اقتصادی، در چارچوب الگوی معادلات همزمان، اندازه گیری می گردد.

۷-۱. جامعه آماری

جامعه آماری مورد تحقیق، منتخبی از کشورهای جهان می‌باشد که طی تقسیم‌بندی سازمان ملل بر اساس شاخص توسعه انسانی، به سه گروه کشورهای در حال توسعه، کشورهای در حال گذار و کشورهای توسعه یافته تقسیم می‌شوند.

۸-۱. ابزار گردآوری داده‌ها (پرسشنامه، مصاحبه و ...)

اطلاعات و آمار لازم این پژوهش با استفاده از داده‌های بانک جهانی، گزارش‌های توسعه انسانی منتشر شده توسط UNDP (برنامه توسعه ملل متحد)، بدست آمده است.

۹-۱. واژه‌های کلیدی

- **نابرابری جنسیتی (Gender Inequality):** منظور از نابرابری جنسیتی این است که نقش زنان و مردان بصورت برابر در جامعه به رسمیت شناخته نشده است. این عبارت به معنای برخورداری زنان و مردان از شرایط نابرابر، برای دستیابی به حقوق اجتماعی، فرصت مشارکت و سهم شدن در توسعه و برخورداری از منافع توسعه و شرکت در فرایند برنامه ریزی است (شجاعی، ۱۳۸۵). به عبارتی، نابرابری جنسیتی عدم دسترسی برابر زنان و مردان به امکانات و موقعیت‌های اجتماعی می‌باشد (کیانی، ۱۳۸۵).
- **نابرابری جنسیتی در آموزش (Educational Gender Inequality):** آموزش و پرورش یکی از مهم‌ترین ابزار برای توسعه منابع انسانی است. نابرابری‌های جنسیتی در آموزش و پرورش، تقریباً در همه کشورهای فقیر و همچنین در میان فقرا در داخل کشورها، وجود دارد که در طول سه دهه گذشته افزایش قابل توجهی یافته است. در حال حاضر نابرابری جنسیتی در آموزش به عنوان مفهومی ضروری برای تجزیه و تحلیل و رفع فقر به دلیل اثرات مضر آن بر تعدادی از اهداف با ارزش توسعه، در نظر گرفته می‌شود (چائودهی^۱، رحمان، ۲۰۰۹). منظور از نابرابری جنسی، دسترسی یکسان دختران و پسران به آموزش می‌باشد. با فرض این که دختران و پسران توزیع یکسانی از توانایی‌های

¹ Chaudhry

ذاتی دارند، نابرابری جنسیتی در آموزش بدین معناست که پسرانی با توانایی کمتر از دختران، فرصت بیشتری برای آموزش و تحصیل دارند (کلاسن^۱، ۲۰۰۲).

• **نابرابری جنسیتی اشتغال (Gender inequality in employment):** در کشورهای در

حال توسعه، زنان از فرصت‌های شغلی کمتری برخوردارند، غالباً در بخش غیررسمی، با دستمزد کمی به کار مشغول می‌شوند و حتی در بخش اشتغال رسمی نیز دستمزد کمتری نسبت به مردان دریافت می‌نمایند. آنان ساعات طولانی‌تری از مردان کار می‌کنند ولی نتیجه کارشان محاسبه نمی‌شود. به طور خلاصه زنان در آمارهای ملی کشورهای در حال توسعه گم شده‌اند. عوامل موثر بر نابرابری‌های جنسیتی در اشتغال عبارتند از: موانع اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی (ملک‌زاده، ۱۳۸۷).

• **شاخص توسعه انسانی (Human development index):** متفکران توسعه، شاخص توسعه

انسانی (HDI) را به عنوان مقیاس اندازه‌گیری توسعه معرفی کردند. اساس معرفی این شاخص بر این ایده اساسی استوار بود که لازمه پیشرفت جوامع، علاوه بر رسیدن به رفاه اقتصادی، پرورش و بسط استعدادها و ظرفیت‌های انسانی است. بر اساس این دیدگاه شاخص توسعه انسانی در صدد اندازه‌گیری سه ظرفیت اساسی کسب دانش، دسترسی به امکانات مادی لازم برای زندگی و برخورداری از عمری طولانی توأم با سلامتی است (احمدی، گروسی، ۱۳۸۶).

۱-۱۰. ابزار تجزیه و تحلیل

در این پژوهش به کمک روش‌های اقتصادسنجی مناسب بر اساس جایگاه هر معادله در سیستم، روش برآورد مربوطه به کار گرفته و فرضیه‌های پژوهش آزمون خواهد شد. ما به دنبال اندازه‌گیری اثر نابرابری‌های جنسیتی بر توسعه اقتصادی هستیم و از آنجا که متغیرهای اثرگذار بر توسعه، خود نیز بر یکدیگر اثرگذارند، از سیستم معادلات همزمان استفاده شده است. همچنین داده‌های مربوط به تخمین‌ها به صورت

¹ Klasen.

فصل دوم

مروری بر ادبیات موضوع

۲-۱. مقدمه

وجود نابرابری‌های جنسیتی در جهان، امری است که دستیابی کشورها به توسعه را با مشکل روبرو می‌کند و کشورهای در حال توسعه بیش از کشورهای پیشرفته از این مسئله رنج می‌برند. توسعه انسانی به عنوان شاخصی برای میزان توسعه یافتگی کشورهای جهان، هر ساله توسط UNDP منتشر می‌شود. برخلاف رشد اقتصادی که یک مفهوم صرفاً کمی است، توسعه بیشتر یک مفهوم کیفی بوده و مفهومی جامع‌تر از رشد را در بر می‌گیرد. از این رو، معیارهای اندازه‌گیری توسعه علاوه بر ابعاد کمی، دربرگیرنده‌ی عوامل کیفی نیز هستند. یکی از مهم‌ترین شاخص‌های توسعه، که توسط برنامه‌ی توسعه ملل متحد مطرح شد، شاخص توسعه انسانی است که از طریق تلفیق نماگرهای امید به زندگی، میزان تحصیلات و سطح درآمد، به صورت یک شاخص مرکب برای اندازه‌گیری وضعیت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی کشورها از سال ۱۹۹۰ به بعد مورد استفاده قرار گرفت.